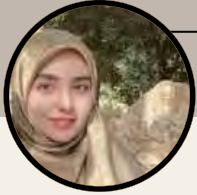


تأثیر ادبیات بر اقناع:

تحلیل زیبایی‌شناسانه نامه‌های سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی در آغاز جنگ چالدران



• نرجس کیانیان راد

چکیده

نامه‌های شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم عثمانی در بحبوحه آغاز درگیری‌های جنگ چالدران، حاوی کلمات و ادبیات اثرگذاری است؛ چرا که انسان در شرایط اضطراری، سعی در به‌کارگیری نهایت اندوخته‌های خود برای رهایی از مخمصه‌ها دارد. در این مقاله، نگارنده با مطالعه این نامه‌ها و تعیین نکات مهم زیبایی‌شناسی ادبی آنها در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری، میزان اثربخشی هر کدام از مهم‌ترین آرایه‌ها و نکات ادبی بر اقناع مخاطب را بیان می‌کند. باید دانست که زینت‌های کلام، بنیادی بس محکم دارند تا مخاطب را با خود همراه کنند.



واژگان کلیدی :

ادبیات فارسی، نامه‌نگاری، شاه اسماعیل صفوی، سلطان سلیم عثمانی، جنگ چالدران، ایران، تاریخ ایران اسلامی.

اغلب نامه‌های رد و بدل شده میان پادشاهان یا افراد بزرگ حکومتی و سیاسی ارزش زیادی دارند. این ارزشمندی از نظر ظاهر کلام، یعنی آرایه‌ها، و همچنین از زاویه معنایی و انتقال مفاهیم مهم و کلیدی است. در این میان، هر دو طرف این نامه‌ها، یعنی نگارنده و دریافت‌کننده نامه، خودآگاه یا ناخودآگاه در حال اقناع فرد مقابل نیز هستند. حال این سوال مطرح می‌شود که سلطان سلیم و شاه اسماعیل اول، با چه فنونی منظور خود را منتقل کرده‌اند و تا چه میزانی موفق بوده‌اند؟

شکی نیست که بار عاطفی و ادبی کلمات در ذهن مخاطب بسیار اثرگذار است و تا حد زیادی در مجاب کردن افراد نقش دارد. از آنجایی که ایجاز و اختصار در متن نامه‌های این دو شخصیت رعایت شده است باید دید که چگونه دو مقام بزرگ با یکدیگر مکاتبه کرده‌اند و با چه شیوه‌هایی در پی عملی شدن اهدافشان برآمدند. در این زمینه، پژوهشی صورت نگرفته است و تنها تحقیقات گذشته به بُعد تاریخی نامه‌ها پرداخته‌اند. پژوهش حسن نژاد و موسوی ساروی (۱۳۹۹)، با عنوان «طرحی برای یک اتحاد: بازخوانی نامه سلطان سلیم عثمانی به حاکم مازندران و بازشناسی مخاطب آن»؛ در صدد یافتن مخاطب یکی از نامه‌های سلطان عثمانی برآمده است و از دیدگاه تاریخی آن را تحلیل و بررسی کرده است. سایر مطالعات نیز مرتبط با زیبایی‌شناسی یا اقناع در متون ادبی و سایر متون برجسته بوده است، اما تاکنون پژوهشی در این زمینه بر نامه‌های میان دو شخصیت مهم سیاسی در جنگ چالدران انجام نشده است. در این پژوهش نیز پرداختن به تمام بخش‌های نامه‌ها امکان‌پذیر نیست و آنها تنها از حیث نکات برجسته ادبی و اقناعی بررسی خواهند شد.

۱) قلمرو زبانی

سلطان سلیم شاه بن سلطان بایزید بن سلطان محمدخانیم به جانب ملک ملک عجم، مالک خطه ظلم و ستم، سرور شرور و سردار اشرار، داراب زمان و ضحاک روزگار، عدیل قابیل، امیر اسماعیل عز صدور یافت...»

و در جای دیگر:

«...از طریق تعدی، امارت بلاد شرقی را متصدی گشتی...»

نامه اول سلطان سلیم به شاه اسماعیل اول:
«...فریدون فر سکندر در کیخسرو عدل و داد، دارای عالی نژاد، سلطان سلیم شاه بن سلطان بایزید بن سلطان محمدخانیم به سوی تو که فرمانده عجم سپهسالار اعظم سردار معظم ضحاک روزگار داراب گیر و دار افراسیاب عهد، امیر اسماعیل نامداری سمت صدور یافت تا خبیر و آگاه باشی...»

از کلمه «تعدی» در ابتدای جمله برای مؤکد کردن فحوای کلام و سایر کلمات، مقدم بر سایر اجزای جمله در این نامه و سایر نامه‌ها استفاده شده است که منظور نامه‌نگار را بهتر برساند و مخاطب خود را تحریک کند:

نامه دوم: «لوائ ظلم را به قواعد تعدی برافراخته...»

نامه سوم: «برای دشمن ارخای فنان و توسیع دایره میدان بیشتر ازین نمی‌شود.»

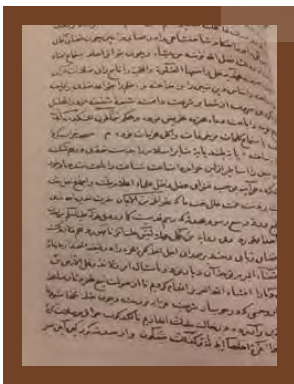
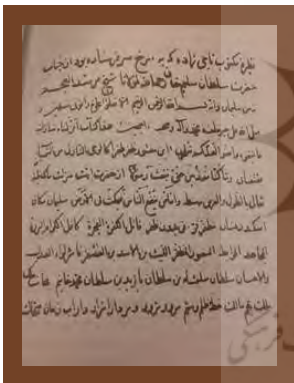
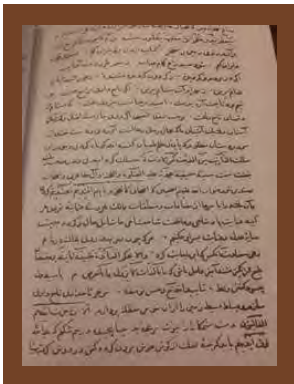
این بخش از نامه، با پشت سر هم آوردن صفات متعدد مثبت برای سلطان سلیم و آوردن صفات متعدد منفی برای شاه اسماعیل، به همراه تنها یک فعل، تأکید بیشتری بر محسنات سلطان سلیم و پلیدی شاه اسماعیل به عنوان دشمن خود دارد. وی در نامه دوم خود نیز به همین ترتیب صفات مثبت و منفی را ذکر می‌کند:

«... سلیمان مکان اسکندر نشان مظفر فر فریدون مظفر قاتل الکفرة الفجرة، کافل الکرام البررة، المجاهد المرابط المنصور المظفر، اللیث بن الاسد بن الغضنفر، ناشر لواء العدل والاحسان

در مقابل، «سلامی که به محبت مشحون و پیامی که به مودت مقرون باشد...»

در اینجاست که بدطینتی دشمن را نیز به او یادآور می‌شود:

خوی بد در طبیعتی که نشست
نرود تا به وقت مرگ از دست



این جمله، آغازگر نامه‌ی شاه اسماعیل صفوی ست. او با آوردن کلمه «سلام» که نماد سلامتی خواستن برای طرف مقابل و صلح است، علاوه بر محبت و مودت در همان بخش آغازین نامه، به نحوی خواستار رعایت ملایمت است.

در ابیاتی که در این نامه به کار رفته است نیز تقدّم این قبیل کلمات رعایت شده است:

سایه‌ی عدل و عنایت به سر او فکنیم
هر که چون مهر نهد روی به خاک در ما

در این بیت، شاه اسماعیل بر عدالت‌ورزی شاهانه‌ی خویش تأکید می‌کند و اشاره می‌کند که اگر دشمن از دشمنی خود بازگردد، او نیز طریق دشمنی را پی نخواهد گرفت و با او به مهر و عنایت رفتار خواهد کرد.

یا در بیتی دیگر، مُلک و پادشاهی را به عروسی تشبیه می‌کند، که به زیبایی آن در عین خطری که به همراه دارد اشاره شده است:

عروس ملک کسی در کنار گیرد تنگ
که بوسه بر لب شمشیر آبدار دهد

و در جایی دیگر، به دشمن خود هشدار می‌دهد که ستیزه‌جویی به سامانی نخواهد رسید:

ستیزه به جایی رساند سخن
که ویران کند خانمان کهن

گاهی هم این هشدار، رنگ و بوی انذار دینی می‌گیرد و تشدید می‌شود:

بس تجربه کردیم در این دیر مکافات
با آل علی هر که در افتاد برافتاد

۲) قلمرو ادبی

بیش از همه، ذکر واژه‌ها و کلمات نامه‌ها در سطح کلام با کمک واج‌آرایی و جناس‌های گوناگون، زیبایی بیشتری به آوای کلام بخشیده است:

۲-۱) واج‌آرایی:

- «امیر اسماعیل نامداری سمت صدور یافت: واج‌آرایی حرف «س»
- «اشاعت فتنه و فساد را شعار و دثار خود ساخته»: واج‌آرایی حرف «آ»
- «مقابح و افعال و مساوی احوالت چون اباحت فروج محرمه و اراقت دماء مکرمه و تخریب مساجد و منابر و احراق مراقد و مقابر و اهانت علما و سادات و القاء مصاحف کریمه در قاذورات و سب شیخین»: واج‌آرایی حروف «آ»، «م» و «و»
- «زمینش در زمان پیشین سم ستوران لشکر منصور ما را روی مالیده»: واج‌آرایی حروف «س» و «ش»

- «نیکویی و دلجویی و عاطفت و خوش‌خوئی دیگر چیزی نبینی»: واج‌آرایی حروف «ی» و «و»
- «سردار اشار، داراب زمان و ضحاک روزگار»: واج‌آرایی حروف «آ»
- «مذهب و ملت تبعیت سنت سنیه حنفیه محمدیه»: واج‌آرایی حروف «ت» و «س» و حرکت «کسره»
- «هراس از کثرت لشکر ظفر استیناس بر تو مستولی شده است»: واج‌آرایی حرف «س»
- «ستیزه به جایی رساند سخن»: واج‌آرایی حرف «س»

۲-۲) جناس:

- شر - شور: جناس وسط
- دود - دودمان: جناس اشتقاق
- سرداری - سر داری (در سر داشتن): جناس مرکب
- شیعه - شنیعه: جناس وسط
- درافتاد - برافتاد: جناس اختلاقی
- ...

۲-۳) ترادف:

- عدل و داد
- ظلم و بیداد
- ازدواج و امتزاج
- اتباع و اشباع
- توبه و استغفار
- مصر و مجد
- نواحی و اراضی
- مشیت و ارادت
- مبدأ و منشأ

۲-۴) استعاره:

- ضحاک روزگار: استعاره از شاه اسماعیل
- شغال: استعاره از شاه اسماعیل / شیر: استعاره از سلطان سلیم
- سلطان سلیم عثمانی، با بیان منظور خود به وسیله استعاره، چهره دشمن را با نهایت بدی به تصویر کشیده است.

۲-۵) کنایه:

- «حیات و مماتت یکسان است»: کنایه از بی‌ارزش بودن فرد
- «جای مغفر، معجر و به جای زره، چادر اختیار کنی»: برای تمسخر و کنایه از به پستی راضی شدن
- «بوسه بر لب شمشیر آبدار دهد»: کنایه از مرگ فرد
- «سینه را چون سپر هدف تیر تیز باید ساخت»: کنایه از شجاع بودن
- ...

۲-۶) تشبیه:

- علم‌های ستمکاری: اضافه تشبیهی
- لوای ظلم
- عروس ملک

نتیجه‌گیری

کلماتی که در مکالمات انسانی رد و بدل می‌شوند، همواره دارای بار ارزشی مثبت و منفی هستند، که به مخاطب منتقل می‌شوند. آرایه‌های ادبی و قلمرو زبانی و فکری در نوشته‌ها باعث اقتناع فرد دریافت‌کننده یا خواننده متن می‌شود. در این جستار، پس از بررسی بخش‌های مهم نامه‌های سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل اول از نظر زبانی، ادبی و فکری، در عین حال، قوت اقتناع ظواهر کلمات هم بررسی شدند. با دقت در زیبایی‌های کلام، می‌توان معنا را بهتر و دقیق‌تر دریافت کرد و منظور صاحب سخن را بهتر دریافت.

منابع

- ۱- اسکندربیک منشی (۱۳۷۷). تاریخ عالم آرای عباسی. ترجمه: محمداسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- ۲- دیوبیس، دیوید (۱۳۹۹). زیبایی‌شناسی و ادبیات، ترجمه عبدالله سالاروند، تهران: نقش جهان.
- ۳- شمیسا، سیروس (۱۴۰۱). معانی، تهران: میترا.
- ۴- شمیسا، سیروس (۱۴۰۲). نگاهی تازه به بدیع، تهران: میترا.
- ۵- شمیسا، سیروس (۱۴۰۳). بیان، تهران: میترا.

آرایه‌های مذکور، که در واقع پلی میان بیان معنای کلام و کلمات بود، تاثیر بسیاری بر مخاطب دارد؛ چرا که زبان غیرمستقیم بیش از کلام مستقیم ذهن را تحریک می‌کند و به تفکر وا می‌دارد. جناس و واج‌آرایی بیش از دیگر آرایه‌ها در نامه‌ها دیده می‌شود و همین باعث آرایش موسیقی و آوای سخن شده است. مخصوصاً در ابتدای نامه‌ها، بیشتر از بقیه بخش‌های آن، این دو آرایه مشاهده می‌شود.

تشبیه، کنایه و دیگر آراستگی‌های عبارات، تصوّر و خیالات مخاطب را به اعماق تصاویر می‌برد و مستی خواننده از این زیبایی‌ها موجب اقتناع و پذیرش او می‌شود.

۳) قلمرو فکری:

حال و هوای هر چهار نامه‌ی رد و بدل شده میان سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی، یک فضای غلبه و تسلط بر دیگری است. پیامی که این نامه‌ها می‌رساند آن است که سلطان سلیم با اظهار تفاخر و تحقیر شاه اسماعیل، در پی پیروزی و غلبه روحی پیش از غلبه فیزیکی در میدان جنگ است. تک تک کلمات حال و هوای وجود یک درگیری را دارند و بار خشونت کلمات سلطان عثمانی بسیار بیشتر است. درحالی‌که شاه اسماعیل صفوی، با ملایمت و آرامش سخنان خود را بیان می‌کند و احساسات مثبتی را در کلمات خویش به کار برده است.

ژئوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

